

جمهوری اسلامی ایران و عراق نوین:

تبیینی بر کاربرد قدرت نرم در عراق نوین در راستای

تحقق ارزش‌های انقلاب اسلامی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۹/۶
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۲/۱۲

محمد حسین جمشیدی*^۱
رسول محمدی گهروی^۲

چکیده

امروزه به‌ویژه با توجه به تحول‌های جهان اسلام، نزدیکی جوامع مسلمان به‌مثابه ضرورتی تعیین‌کننده در عرصه بین‌المللی احساس می‌شود؛ این در حالی است که قدرت نرم به‌مثابه چهره‌ای جدید از اعمال قدرت در سطح بین‌المللی مطرح می‌شود که با تأکید بر بنیان‌های ناملموس قدرت، بیانگر لزوم به‌کارگیری شیوه‌هایی مقبول و درعین‌حال، مشروع‌تر در جهت حصول به اهداف در حوزه سیاست خارجی است و کار ویژه اصلی آن شکل‌دهی ترجیح‌های دیگران بوده، دارای منابعی مانند دین و فرهنگ، ارزش‌های سیاسی و سیاست خارجی است. در فضای دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با در نظر گرفتن اهداف ارزشی خود در خصوص سایر جوامع اسلامی از منابع قدرت نرم بهره‌گیری کند و با توجه به نقش و جایگاه استراتژیک عراق در جهان اسلام و وجود اشتراک‌های عدیده‌اش، بیش از سایر جوامع اسلامی می‌تواند مورد توجه ایران قرار گیرد؛ در این ارتباط، این نوشتار، باورمند است که به دلیل وجود منابع متعدد قدرت نرم ایران در عراق به‌کارگیری و مدیریت صحیح آنها دستاوردهایی مثبت و پایدار را برای تحقق ارزش‌های اسلامی انقلاب ایران دربر خواهد داشت و به بهترین، مشروع‌ترین و درعین‌حال، پایدارترین شکل ممکن، تأمین‌کننده اهداف مورد نظر خواهد بود؛ در این ارتباط، مسئله این پژوهش، شناخت منابع قدرت نرم ایران در عراق نوین است که می‌تواند زمینه‌ای برای تحقق ارزش‌های متعالی انقلاب در جهان اسلام باشد.

واژگان کلیدی: جمهوری اسلامی ایران، عراق نوین، قدرت نرم، ارزش‌های انقلاب اسلامی.

۱* . استادیار علوم سیاسی دانشگاه تربیت مدرس. (نویسنده مسئول): jamshidi@modares.ac.ir

۲ . کارشناس ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه تربیت مدرس.

مقدمه

«منافع ملی»، مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده سیاست خارجی دولت‌ها به‌شمار می‌آیند که به‌عنوان «ارزش‌های اساسی جامعه»^۱، راهنمای اصلی آنها در روابط بین‌المللی هستند (بهزادی، ۱۳۷۴: ۲۶۳)؛ این منافع گاه به‌طور صرف، جنبه داخلی دارند و گاه جنبه فراملی می‌یابند، بیانگر ارزش‌های انسانی‌ترند. انقلاب اسلامی ایران برای ملت ما ارزش‌های انسانی مبتنی بر مکتب اسلام را عرضه کرد که در عین اینکه منافع ملت ایران‌اند، منافع تمام جوامع اسلامی و حتی غیراسلامی نیز محسوب می‌شوند زیرا به نوع انسان و رهایی او توجه دارند نه به گروهی خاص؛ از طرف دیگر دستیابی به منافع ارزش‌ها نیز خود به داشتن قدرت، نیازمند است. لذا قدرت، تعیین‌کننده گستره منافع ملی است (جمالی، ۱۳۸۰: ۲۵۱).

به‌طور سنتی در روابط بین‌الملل، منبع عمده قدرت جوامع سیاسی قدرت سخت آنها در قالب عناصر چهارگانه فرهنگی، نظامی، سیاسی و اقتصادی بوده است؛ اما امروزه به دلایلی نظیر حرکت بین‌المللی به سوی جهانی‌شدن، انقلاب اطلاعاتی، گسترش سریع وسایل ارتباط جمعی، ناتوانی قدرت آشکار، توان رزمی و نیز حضور نهادهای جهانی غیردولتی در عرصه سیاست بین‌الملل (Nye, 2002: 62-61)، توزیع منابع قدرت در موضوع‌های مختلف بسیار تغییر کرده است (نای، ۱۳۸۹: ۴۱)؛ به‌صورتی که ساختارهایی متفاوت از نوع پیشین در عرصه قدرت در حال شکل‌گیری هستند که برخی، از آنها با عنوان «رخنه» در نوع کهن قدرت یا «انقلاب» در ماهیت قدرت یاد کرده‌اند؛ درحقیقت ما شاهد یک جابه‌جایی در منابع و نحوه به‌کارگیری قدرت در اشکالی دیگر هستیم (تافلر، ۱۳۷۰، ۴۵ تا ۴۷)، به‌نحوی که برخی معتقدند امروزه به‌کارگیری اسلحه برای دستیابی به اهداف ملی یا دفاع از آنها از طریق ایجاد نفوذ منفی و سمت‌دهی تحکم‌آمیز به اعمال سایر دولت‌ها، مشروع نیست (هالستی، ۱۳۷۳: ۴۷۲)؛ بر این اساس با مراجعه به طیف متنوع آثار موجود در باب قدرت، مشخص می‌شود که توجه به قدرت نرم و منابع عدیده آن، گفتمانی تازه را برای تأمین ارزش‌های یک جامعه شکل می‌دهد و در نتیجه، چهره‌ای تازه از قدرت مطرح می‌شود که دو مشخصه بارز دارد: (۱) اجتماعی‌بودن: یعنی قدرت نرم در شبکه‌ای از روابط اجتماعی معنای‌گیرد و (۲) هنجاری‌بودن: یعنی هنجارها و ارزش‌ها در تولید قدرت نرم نسبت به ابزارها به‌مراتب مؤثرترند (نای، ۱۳۸۹، ۸ و ۹)؛ در نتیجه ضرورت به‌کارگیری قدرت نرم در سیاست خارجی برای رسیدن به منافع و به‌ویژه تحقق

1 . Values Core

ارزش‌ها یا کسب نتایج مطلوب همراه با کاهش هزینه‌های اجرا و رفع تبعات منفی و مخرب به‌کارگیری خشونت، آشکار می‌شود؛ این موضوع به‌ویژه برای جامعه ما که از اهداف متعالی و ارزش‌های معنوی غیرمبتنی بر زور و اجبار بهره‌مند است، جنبه انسانی و مکتبی داشته، مخاطب آنها نه تنها همه مسلمانان که تمام بشریت‌اند اهمیتی جدی دارد.

بنابراین بررسی منابع قدرت درخصوص هر جامعه‌ای که موضوع تعامل و رابطه با ما (به‌ویژه در دنیای اسلام) است، اهمیت دارد؛ اما هرچه ارتباطات فرهنگی، ارزشی و سیاسی این جوامع با ما بیشتر باشد، بر اهمیت مسئله افزوده می‌شود لذا در این نوشتار، «عراق نوین» (عراق پس از صدام) به‌ویژه با توجه به موقعیت راهبردی آن و نیز حضور نیروهای غربی در آن مورد توجه قرار گرفته‌است. بر این مبنا، پرسش اصلی این نوشتار این است: «جمهوری اسلامی ایران دارای چه منابع و امکاناتی در عرصه قدرت نرم درخصوص عراق نوین برای تحقق ارزش‌های انقلاب اسلامی است؟».

در پاسخ به این پرسش، فرضیه ما، باور به وجود سه دسته منبع نرم قدرت، یعنی منابع ارزشی- اعتقادی، منابع فرهنگی- اجتماعی و منابع سیاسی است که به‌کارگیری هماهنگ و متناسب همراه با مدیریت راهبردی صحیح آنها می‌تواند ما را به اهداف خویش در راستای تحقق ارزش‌های انقلاب اسلامی برساند؛ لذا هدف از این مقاله، تشخیص و شناخت همین منابع مهم قدرت برای مدیریت راهبردی مناسب و حصول نتیجه است؛ روش مورد استفاده در این پژوهش به‌منظور استنباط، تحلیل و نتیجه‌گیری، روش توصیفی- تحلیلی و چارچوب نظری آن نیز، نظریه قدرت نرم جوزف نای است.

الف: مبانی نظری و روش

قدرت نرم، موضوعی تازه در علم سیاست به‌ویژه در حوزه منازعات بشری نیست (Nye, 1990: 167). و ایده جذابیت به‌مثابه قدرت، قرن‌ها پیش از تبیین نظری آن وجود داشته‌است اما به‌صورت جدی، این مفهوم را اولین بار جوزف نای^۱ در سال ۱۹۹۰ در کتابی، با نام **تغییر ماهیت قدرت آمریکایی** مطرح کرد و سپس در سال ۲۰۰۴ آن را در کتاب **قدرت نرم: راه موفقیت در سیاست‌های جهانی** بسط داد. پیش از نای، برخی متفکران با عناوینی دیگر از قدرت مبتنی بر جذب سخن گفته‌اند؛ برای نمونه، میان مفهوم قدرت نرم جوزف نای و مفهوم «هژمونی» گرامشی، شباهت وجود دارد و این شباهت در به‌کارگیری مجموعه‌ای کلی از اصول، مانند طرح‌ها، ارزش‌ها و نهادهای مشترکی است که با رضایت یا با عمل قانونی توسط گروه‌های مختلف به‌عنوان منابع قدرت، به‌منظور

1 . Joseph Nye

نفوذ و کنترل دیگران استفاده می‌شوند (Zahran and Ramos, 2010: 12)، *نای* قدرت را به دو نوع سخت و نرم تقسیم می‌کند؛ در نگاه او، اقناع، مبنای قدرت نرم و تهدید و اجبار، مبنای قدرت سخت هستند. او قدرت نرم را این‌گونه تعریف کرده است: «توانایی ایجاد خواست‌های مطلوب از طریق به‌کارگیری طرح (هنجارها- ارزش‌ها و باورها)، فرهنگ و سیاست خارجی (دیپلماسی) که در مجموع هریک موجد و مولد جاذبه^۱ هستند (Nye, 2002: 60)؛ پس قدرت نرم به‌طور دقیق، همان نفوذ^۲ نیست، زیرا نفوذ می‌تواند شامل قدرت سخت نیز باشد. قدرت نرم شامل توانایی‌های جذب‌کردن است و جذب، اغلب باعث اقدام یا مشارکت همراه با رضایت می‌شود؛ بنابراین قدرت نرم، دارایی‌هایی است که جذابیت تولید می‌کنند لذا می‌توان گفت که قدرت نرم به‌نوعی، قابلیت شکل‌دادن به علایق دیگران است (نای، ۱۳۸۹: ۴۳ و ۴۴).

باید دانست که در بررسی نقش قدرت در جامعه، محور کلیدی را منابع ایجادکننده قدرت تشکیل می‌دهند و منظور از منابع نیز سرچشمه‌هایی درون جامعه هستند که قدرت را به‌وجود می‌آورند؛ یعنی قدرت از آنها می‌تراود و شکل می‌گیرد؛ بر همین مبنا قدرت نرم نیز دارای منابعی گوناگون است؛ برای نمونه در عرصه فردی زبان، یکی از منابع قدرت است. اما زبان هم منبع قدرت نرم است و هم منبع قدرت سخت، زیرا هم سلطه مبتنی بر جبر را به‌دنبال دارد و هم مشارکت و همکاری مبتنی بر جذب را. به‌طور کلی، منابع اصلی قدرت نرم را به دو دسته فرهنگی (اعم از دینی، ایثولوژیک و آداب و رسوم و...) و سیاسی (اعم از نگرش‌ها، ارزش‌ها و سیاست عملی در داخل و خارج) می‌توان تقسیم کرد.

به عقیده *نای* «قدرت نرم در یک کشور می‌تواند از سه منبع پدید آید: فرهنگ آن کشور (آن بخش‌هایی که برای دیگران دارای جذابیت است)، ارزش‌های سیاسی (در مواردی که در داخل و خارج کشور مورد توجه باشند) و درنهایت، سیاست خارجی (در صورتی که قانونی و مسئولانه به‌نظر برسد)» (نای، ۱۳۸۹: ۵۱)؛ براساس این چارچوب نظری:

اول، قدرت، منحصر به قدرت سخت و سنتی نیست و شامل قدرت نرم هم می‌شود.
دوم، تأثیر قدرت نرم، پایدارتر، مؤثرتر و بی‌خطرتر است. زیرا قدرت نرم در واقع جذابیت‌های یک کشور در نگاه دیگران است.

سوم، هزینه استفاده از قدرت نرم کمتر است. در نگاه *نای* اگر بتوان کاری انجام داد که دیگران

1 . Attractive
2 . Influence

آنچه را ما می‌خواهیم، بخواهند، دیگر به استفاده از زور و قدرت نظامی نیاز نداریم و این موضوع، باعث کاهش هزینه‌ها در پیگیری اهداف سیاست خارجی خواهد شد.

چهارم، در عرصه بین‌الملل، دولت‌ها حق دارند و می‌توانند از جذابیت‌های مادی و معنوی خود به منظور افزایش مشروعیت اقدام‌های خود و در نتیجه، افزایش قدرت و تأمین منافع ملی خویش در محیط بین‌الملل استفاده کنند.

پنجم، جوامعی که دارای فرهنگ، اندیشه و ارزش‌های سیاسی هستند که به هنجارهای غالب جهانی نزدیک‌ترند و نیز جوامعی که بیشترین دسترسی را به امکانات ارتباطی دارند یا جوامعی که در سیاست خارجی، موفق‌ترند، می‌توانند در حوزه به‌کارگیری قدرت نرم، موفق باشند؛ در این میان نیز اندیشه و ارزش‌ها اساسی‌ترند و جمهوری اسلامی ایران نیز آنها را دارد.

ششم، قدرت نرم هر جامعه‌ای از ارزش‌های سیاسی، فرهنگ و اعتقادهای (شناخت و جهان‌بینی) و سیاست خارجی آن جامعه نشأت می‌گیرد؛ البته هر یک از منابع اصلی قدرت نرم با لحاظ شروطی مهم، قابل تحقق به قدرت واقعی و کاربردی هستند؛ برای نمونه، نای در باب فرهنگ، معتقد است که: اول اینکه همه بخش‌های یک فرهنگ ملی قابل تبدیل به قدرت نرم نیست بلکه آن بخش‌هایی از فرهنگ که برای دیگران جذابیت دارند از منابع قدرت نرم محسوب می‌شود؛ دوم اینکه، فرهنگ‌های محلی و ناحیه‌ای کمتر قابل تبدیل به قدرت نرم هستند. ارزش‌های سیاسی، منبعی از منابع قدرت نرم به‌شمار می‌آیند به شرطی که در داخل و خارج کشور، مورد توجه و مشروع باشند و در نهایت اینکه سیاست خارجی یک کشور در صورتی مولد قدرت نرم است که در چشم و دیدگاه دیگران قانونی و مسئولانه به‌نظر برسند (Nye, ۲۰۱۱: ۸۴).

هفتم، با توجه به اصول بالا درمی‌یابیم که جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یک کشور-ملت در عرصه بین‌المللی برای رسیدن به اهداف ملی و تحقق ارزش‌های انقلاب اسلامی خویش بر مبنای جهان‌نگری و ارزش‌شناسی خود حق دارد و می‌تواند از منابع قدرت نرم خویش در خصوص هر نظام دیگری و به‌ویژه جوامع اسلامی استفاده کند اما با توجه به وضعیت جوامع اسلامی، مناسب‌ترین گزینه برای به‌کارگیری قدرت نرم ایران، کشور عراق است.

هشتم، منابع قدرت نرم ایران در عراق، مطابق این چارچوب عبارت‌اند از: دین و فرهنگ، ارزش‌های سیاسی و سیاست‌هایی که در معادلات داخلی و بین‌المللی این کشور می‌توانند به سود ایران جاذبه ایجاد کنند و از طریق اقناع و جذب و بدون لزوم استفاده از زور و تهدید، اهداف و منافع ملی ایران را تأمین کنند؛ یعنی آن‌گونه که نای مطرح می‌سازد، سیاست خارجی؛ به‌علاوه ما این منابع را

با توجه به نقش برجسته دین و ارزش‌های عقیدتی و مکتبی به سه دسته کلی دینی - فرهنگی، ارزش‌های سیاسی و سیاست خارجی تقسیم کرده‌ایم.

ب- منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران

۱- انقلاب اسلامی ایران و قدرت نرم

برخلاف جوامع غربی مانند آمریکا، قدرت نرم ما به‌طور عمده به منبع دین و ارزش‌های سیاسی و اجتماعی مرتبط با آن، متکی است. لذا گفته شده است: «منابع اصلی و شناخته شده قدرت نرم ایران به‌طور عمده از «اسلام و معنویت» سرچشمه می‌گیرند» (Mohamadi, 2008). امروزه جمهوری اسلامی ایران، پرچم‌دار الگویی جدید از اندیشه و عمل در جهان است که توانست نظریه صلاحیت و کارآمدی دین را در تأسیس، بنیان و استقرار منابع نوین و متنوع قدرت، نمایندگی و هدایت‌کنند (سیدنژاد، ۱۳۸۸: ۹۶)؛ ریشه این امر به بنیان‌های انقلاب اسلامی بازمی‌گردد؛ انقلاب اسلامی ایران به‌عنوان انقلابی برای دین، معنویت و ارزش‌ها نه تنها در اعتقادهای اسلامی ریشه دارد بلکه محرک و هدف خود را نیز در دین جستجو می‌کند. اندیشه انقلاب اسلامی به‌عنوان نمونه‌ای تازه از نظام حکومتی در چشم‌انداز جهانی از سرچشمه اسلام ناب محمدی^۱ نشأت گرفته است؛ از دیگر سو، انقلاب اسلامی با شکستن انحصارگرایی در عرصه روابط بین‌الملل و برهم‌زدن معادلات نابرابر و ناعادلانه جهانی و منطقه‌ای توانست اعتماد به نفس را در مسلمانان تقویت کند و با طراحی نوعی نظم بین‌الملل فارغ از سلطه قدرت‌های استکباری براساس سیاست «نه شرقی و نه غربی»، بارقه امید را در دل میلیون‌ها مسلمان و مستضعف بیدارنگه دارد؛ از این منظر، تحقق انقلاب اسلامی ایران را می‌توان تجلی قدرت نرم به معنای توانایی جذب دیگران بدون تهدید یا پرداخت هزینه محسوس دانست؛ از این رو، «استفاده از قدرت نرم به‌منظور نشان‌دادن مشروعیت سیاست‌های انقلاب اسلامی را می‌توان چهره‌ای جدید از قدرت قلمداد کرد که دربرگیرنده مؤلفه‌های فرهنگی، ایدئولوژیک، سیاسی و عقیدتی است» (دهشیری، ۱۳۸۵: ۶۶)؛ برخی دیگر با توجه به مبانی انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران به منابعی نظیر، «ایدئولوژی، اعتبار ملی، روحیه ملی، خصوصیات ملی، هویت ملی، ساختار حکومت، موقعیت جغرافیایی و مشروعیت نظام سیاسی»، اشاره کرده‌اند (حجازی، ۱۳۸۷: ۴)؛ درحالی‌که برای تحقق قدرت نرم زمانی می‌توان از وجود منابع سخن گفت که به‌صورت بالقوه امکان و توانایی تأثیر و

۱- به تعبیر امام خمینی (ره).

جذب مردم سرزمین‌های دیگر را داشته‌باشند؛ برای نمونه، حس عدالت‌خواهی جهانی که برخاسته از فرهنگ شیعی و ایرانی ماست می‌تواند منبعی برای تحقق قدرت نرم محسوب‌شود.

۲- منابع قدرت نرم ایران در عراق

همان‌طورکه گذشت، منابع قدرت نرم در عین اینکه منبع قدرت هستند، می‌توانند موضوع جذب دیگران یا مخاطبان واقع شوند لذا بعد فراملی دارند؛ از این حیث، هر ظرفیت و توان بالقوه و قابل‌تحقیقی که می‌تواند دیگران را به‌گونه‌ای مجذوب‌سازد که خواست ما را خواست خود بدانند، منبع قدرت نرم محسوب‌می‌شود. در یک بررسی کلی، امروزه ظرفیت‌ها و منابع بالقوه نرم‌افزاری ایران درخصوص کشور عراق به‌اختصار عبارت‌اند از: پیوندها و هم‌گرایی دینی، فرهنگی و سیاسی میان دو کشور، موقعیت عقیدتی و مبارزاتی و فرهنگی ایران در عراق، مذهب مشترک، تعامل‌ها و مبادلات فرهنگی تاریخی میان این دو، وجود احزاب و گروه‌های مبارز شیعی، وجود قوم کرد، وجود عتبات عالیات، حوزه‌های علمیه، مراجع تقلید و عالمان دینی، تشکیل انجمن‌های دوستی و انجمن‌های پارلمانی مشترک، تبلیغ آرمان‌ها، ارزش‌ها و اهداف متعالی انقلاب اسلامی، ارائه تصویر مثبت و مطلوب از خود، طراحی و اتخاذ سیاست‌های مقبول و مشروع، مبادلات حوزوی و دانشگاهی میان نخبگان این دو کشور، بهره‌مندی از شبکه‌های خبری گسترده و بین‌المللی، همایش‌ها و نمایشگاه‌های فرهنگی، تسهیلات گردشگری و توریستی، سیاست‌های صحیح خارجی مشروع و مورد توجه مردمان عراق، حمایت از روند دموکراسی، صلح و تمامیت ارضی عراق، ارائه مشوق‌های اقتصادی، سرمایه‌گذاری و مشارکت در بازسازی و عمران، ارائه خدمات بشردوستانه در بحران‌های داخلی یا حوادث ناگوار طبیعی، بی‌طرفی مثبت در بحران‌های بین‌المللی این کشور و سایر موارد مشابه.

به دلیل گستردگی و تنوع ظرفیت‌های قدرت نرم، بسیار دشوار است که بتوان در این نوشتار به تک‌تک آنها پرداخت. به همین سبب، ما بر مبنای چارچوب نظری خویش منابع را به سه دسته کلی عقیدتی - ارزشی، فرهنگی - اجتماعی و ارزش‌های سیاسی و سیاست خارجی تقسیم‌می‌کنیم و در هر دسته، مهم‌ترین منابع را مورد توجه قرار می‌دهیم؛ برای نمونه در عرصه عقیدتی - ارزشی یا دینی مذهب تشیع، اسلام انقلابی، در حوزه فرهنگی، حوزه و مرجعیت، فرهنگ و تاریخ مشترک، وجود نهادهای مذهبی و در حوزه ارزش‌های سیاسی و سیاست خارجی، وجود گروه‌ها، قومیت‌ها و احزاب سیاسی شیعی طرف‌دار جمهوری اسلامی ایران و حمایت از آنها و نیز حمایت از عراق در عرصه بین‌المللی و پیشتازی در منطقه مورد نظر است.

۲-۱- حوزه دینی - فرهنگی

«دین»، مجموعه باورهای بنیادین جامعه و کنش‌های مبتنی بر آنهاست؛ «فرهنگ»، مجموعه‌ای از آداب و رسوم، اخلاقیات، اعتقادات، ارزش‌ها و نمادهایی تلقی می‌شود که از طریق جامعه‌پذیری از نسلی به نسب دیگر منتقل می‌شوند (قوم، ۱۳۸۴: ۲۹۳). دین و فرهنگ، مشتمل بر منابع مهم قدرت نرم هستند. وقتی فرهنگ یک کشور ارزش‌های جهانی را شامل شوند و بنیاد سیاست‌های آن را علایق و ارزش‌های مشترک جهانی تشکیل دهند، احتمال اینکه نتایج مطلوب تحصیل شود، افزایش می‌یابد (نای، ۱۳۸۹: ۵۲). فرهنگ ما شامل مجموعه‌ای از ارزش‌های ایرانی - اسلامی و انقلابی است که مردم ایران در آن سهیم‌اند و به‌درستی، مطلوبیت و جهان‌شمولی آنها باوردارند. ایرانیان به سی قرن «هنر، فرهنگ و معرفت و استمرار هویت فرهنگی خود در طول تاریخ، تأسیس نخستین دولت جهانی در بیش از ۲۵۰۰ سال پیش، سازماندهی نخستین جامعه بین‌المللی که به ادیان و فرهنگ‌های اقوام تحت حاکمیت خود احترام می‌گذاشت، آزادسازی یهودیان از اسارت بابلی‌ها و تأثیرگذاری بر تمدن‌های یونانی، عرب، مغول و ترک صرف‌نظر از تأثیرگذاری بر فرهنگ غرب از طریق سهم ایرانیان در تمدن اسلامی» مباحث می‌کند (رمضانی، ۱۳۸۸: ۱۴)؛ از این حیث، درخصوص عراق نیز باید یادآور شد که این سرزمین به لحاظ تاریخی و فرهنگی، ارتباطی قوی و گسترده با ایران داشته‌است. بین‌النهرین به مدت هزاران سال، پاره‌ای از حوزه تمدنی ایران محسوب می‌شده‌است؛ ایرانیان، این سرزمین را «سورستان» نام‌نهاده‌بودند^۱ (محمدی ملایری، ۱۳۷۵: ۵۷)؛ به همین دلیل، ایران و عراق دارای مشابهت‌ها و همسانی‌هایی فراوان در حوزه فرهنگی و تمدنی هستند. ملت‌ها و کشورهایی که پیشینه فرهنگی و تمدنی طولانی و درخشانی دارند، قدرت، قابلیت و ظرفیت فرهنگی آنان افزون‌تر است و ارجحیت فزون‌تری برای گسترش مناسبات و منافع فرهنگی - تمدنی قائل‌اند. مهم‌ترین محورهای همبستگی دینی، فرهنگی و تاریخی میان ایران و عراق عبارت‌اند از:

- وجود مذهب تشیع امامیه و ارتباطات خاص معنوی میان شیعیان هر دو کشور، به‌ویژه نگرش تشیع پویا و انقلابی یا سیاسی.
- وجود عتبات عالیات در شهرهای نجف، کربلا، سامرا و کاظمین در عراق و شهرهای قم، مشهد و شیراز در ایران که باعث ایجاد رفت‌وآمدهای زیارتی مردمان این دو کشور شده‌است.

۱. برای آگاهی راجع به سلسله‌های پادشاهی ایرانی مسلط بر بین‌النهرین و عراق کنونی در پیش از اسلام، نگاه‌کنید به: علی ظریف‌الاعظمی (۱۳۵۰)؛ «کارنامه دولت‌های ایرانی در عراق»؛ ترجمه و نگارش محمد بدیع، تهران: چاپ میهن.

- وجود بافت فرهنگی - اجتماعی مشابه در دو کشور، با توجه به سوابق تاریخی و اینکه در طول قرون متمادی، همواره عراق، بخشی از سرزمین ایران محسوب می شده است.
 - تعداد زیاد ایرانیان مقیم عراق به ویژه در شهرهای مذهبی این کشور.
 - وجود حوزه های علمیه در دو کشور و ارتباطات دیرینه و خاص میان آنها.
 - مرجعیت و زعامت واحد مذهبی شیعی که خود، موجب ایجاد همدلی و هماهنگی میان شیعیان هر دو کشور می شود.
 - و نهایت اینکه، شیعیان عراق از گذشته و در مقابل عثمانیان و در دوران معاصر در زمان *صدام*، همواره به دولت های ایرانی و شیعیان ایرانی و به عنوان حامی و پشتیبان نگاه می کرده اند (بلداجی، ۱۳۸۴: ۲۸۶).
- از منابع فرهنگی و مذهبی به دلیل اختصار، تنها به چند منبع اساسی تر یعنی مذهب مشترک تشیع، عتبات عالیات، حوزه های علمیه و مرجعیت و روحانیت می پردازیم.

۲-۱-۱- مذهب مشترک (تشیع)

انقلاب اسلامی ایران، نخستین انقلابی محسوب می شود که آشکارا شریعت و تعالیم اسلامی را به عنوان قانون اساسی خود برگزیده است (شریعتی، ۱۳۸۸: ۵۷). از آنجاکه عقیده مشترک دینی و مذهبی، نقش بنیادین در ایجاد همبستگی میان پیروان هر دین ایفا می کند، یکی از عوامل بنیادین ملت سازی در ایران و عراق، مذهب تشیع است و ایران هسته اصلی جهان تشیع محسوب می شود (زین العابدین، ۱۳۸۶: ۳۳، ۳۴ و ۳۶). مهم ترین تحول گفتمان شیعه در قرن بیستم، تحول از سیاست گریزی و تمایل به ضرورت دخالت در مسائل سیاسی با هدف تشکیل حکومت دینی است؛ از این رو، گفتمان ولایت فقیهان عادل، گفتمان سیاسی غالب شیعه در این دوره است که با پیروزی انقلاب اسلامی به گفتمان حاکم تبدیل شد (موسوی، ۱۳۸۷: ۲۹۷)؛ نتیجه این تلاش، طرح هلال شیعی است که از تأثیر قدرت نرم ایران در منطقه نشان دارد و خود می تواند به عنوان عاملی بس مثبت در جریان قدرت نرم به کار آید. هلال شیعی، رؤیایی است که امروزه در عراق، ایران و بخش هایی از لبنان و سوریه طرف دار دارد (جمالی، ۱۳۸۶: ۱۰)؛ در همین ارتباط، پیروزی انقلاب اسلامی ایران، نمونه ملموس و عینی را برای الگوسازی مطرح کرد (احمدی و قزوینی حائری، ۱۳۸۹: ۵۶)؛ این است که گفته شده: در واقع، حرکت انقلابی و شیعی مردم عراق (جنبش شیعیان) نشأت گرفته از پیروزی انقلاب اسلامی ایران است (نجفی، ۱۳۸۶: ۱۳۱)؛ از سوی دیگر باید این نکته را یادآور شد که «نقش شیعیان و

رهبران مذهبی» به‌عنوان یکی از متغیرهای اساسی در جامعه‌شناسی عراق و تحول‌های سیاسی این کشور محسوب می‌شود (غلامی قمی، ۱۳۸۶: ۱۶۸)؛ این نقش، پس از سقوط حزب بعث، بسیار پررنگ‌تر شده است؛ برای نمونه، امروزه نقش شیعیان و مرجع دینی آنها آیت‌الله سیستانی به‌صورت آشکار در تحول‌های عراق احساس می‌شود؛ در نتیجه، هر دو می‌توانند از عوامل تأثیرگذار بر تصمیم‌های دولت عراق باشند؛ به‌علاوه در ساختار قانونی و اجرایی عراق بعد از صدام، براساس قانون اساسی جدید عراق، بلوک اصلی پارلمان که از سوی شیعیان اداره می‌شود حق معرفی نخست وزیر را دارد (همان: ۱۸۷ و ۱۸۸).

۲-۱-۲- عتبات عالیات و شهرهای مذهبی

عراق، اصلی‌ترین مرکز شیعه در طول ده قرن نخست اسلام بوده است (مریجی، ۱۳۸۷: ۱۳). هیچ کشور و منطقه دیگری از جهان اسلام (به‌جز مدینه منوره که از لحاظ معنوی و تعدد قبور پیشوایان شیعه، به عراق شبیه است)، همانند عراق دارای شش مرقد از مراقد ائمه اهل بیت (ع) نیست. شهرهای نجف، کربلا، کوفه، بصره و حله از شهرهایی مهم هستند که پیش‌بینی می‌شود تحول‌های سیاسی عمیق در عراق هنوز هم به تصمیم‌گیری ساکنان آنها بستگی تام و تمام داشته باشد. شیعیان عراق به‌طور عمده در این شهرها ساکن هستند و از دیدگاه ایران، تاریخ، مذهب و فرهنگ جنوب عراق به‌طور مستقیم در حوزه نفوذ ایران قرار دارد (Abedin, 2000: 1-5)؛ وجود این شهرها با دارابودن اکثریت شیعه‌نشین می‌تواند وزنه‌ای مناسب در تحقق طرح‌های اسلامی و شیعی مورد نظر ایران و پیروی از منویات جمهوری اسلامی ایران باشد و در راستای تحقق ارزش‌های انقلاب اسلامی به‌کار گرفته شود.

۲-۱-۳- حوزه‌های علمیه و مراجع دینی

شهر نجف در مقابل الازهر (که مرکز علمی اهل سنت است)، مرکز مذهب تشیع بوده، به‌عنوان پایگاه اصلی تشیع، شناخته شده است. روابط مداوم مراکز اندیشه و دانش دو کشور ایران و عراق، یعنی نجف و قم موجب شده که ایرانیان، تأثیری فراوان بر عراقی‌ها داشته باشند، زیرا آمیختگی مذهبی و احساسات مشترک دینی به پدیده سیاسی خاصی در عراق منجر شده است و به این ترتیب، زعامت مذهبی و علمی در عراق به دست ایرانیان افتاده است؛ از سوی دیگر، اقامت و وجود ایرانیان به‌ویژه مراجع، عالمان دین و طلاب در سراسر عراق و به‌ویژه در شهرهای مذهبی، موجب گسترش نفوذ ایرانیان شده است لذا اغلب، «حرکت‌های اعتراض‌آمیز نسبت به حضور بیگانگان یا ضد حکومت، به

رهبری مراجع دینی با تابعیت از کشور ایران صورت گرفته است» (غلامی قمی، ۱۳۸۶: ۱۷۱). حوزه علمیه نجف در دهه‌های ابتدای قرن بیستم به یک مرکز رهبری عمده برای جریان‌های معاصر عراق تبدیل شده و علمای شیعه (که اغلب، ایرانی هستند) با فتاوی دینی - سیاسی خود، فضایی جدید در عراق به وجود آوردند، حوزه‌های عراق به طبع، منشأ پیدایش احزاب و گروه‌های سیاسی شده، شهر نجف به عنوان مرکز تحول‌ها و توفان‌های سیاسی بوده و خواهد بود (مریجی، ۱۳۸۷: ۴۷). زیرا قدرتمندترین قطب سیاسی در عراق مرجعیت این کشور هستند (رازانی، ۱۳۸۴: ۱۰۸).

البته پس از انقلاب اسلامی ایران، حوزه علمیه شهر نجف، تحت الشعاع مرکزیت حوزه قم قرار گرفت؛ هرچند این وضعیت پس از سال ۲۰۰۳ میلادی و حضور آیت /... سیستانی تا حدود زیادی به حالت اولیه بازگشت؛ در حال وجود هر دو حوزه و وجود عالمان و طلاب هر دو کشور در آنها از مهم‌ترین منابع قدرت نرم برای حکومت شیعی ایران محسوب می‌شوند؛ البته آنچه برای قدرت نرم ایران در این خصوص زنگ خطر است اینکه این اشتراک مذهبی نباید تبدیل به رقابت میان این دو حوزه تبدیل شود (Sullivan, 2009)؛ زیرا حوزه علمیه عراق خود، امتدادی از وضعیت فرهنگی و سیاسی ایران است (حکیم، ۱۳۸۲: ۲۷). منابع قدرت روحانیت عراق که در عین حال باعث ایجاد و افزایش قدرت نرم ایران خواهند شد به طور خلاصه عبارت‌اند از: سازمان و تشکیلات مستحکم روحانیون عراقی، نهاد مرجعیت، استقلال مالی روحانیون، شخصیت کاریزماتیک مراجع، مردمی بودن نهاد روحانیت و اعتقاد به مهدویت (قنبری، ۱۳۸۱: ۲۷۲ تا ۲۷۸).

مرجعیت در این عرصه، نقشی تعیین‌کننده دارد؛ برای نمونه، آیت /... سیستانی، به‌رغم اصرار و درخواست‌های مکرر مقام‌ها و مسئولان آمریکایی، هرگز حاضر به دیدار با آنها نشد؛ اما هنگامی که *کمال خرازی*، وزیر خارجه پیشین جمهوری اسلامی ایران در سفری سه روزه از عراق دیدار کرد، مورد استقبال گرم و صمیمی ایشان قرار گرفتند به نحوی که جراید و روزنامه‌های بین‌المللی از این سفر به عنوان دیداری خانوادگی، میان اعضای یک خانواده نام بردند (Peterson, 2005). آیت /... سیستانی همچنین در پاسخ استفتائی در باب نگارش قانون اساسی این کشور بیان کرد که نیروهای اشغالگر از هیچ‌گونه شایستگی برای تعیین اعضای مجلس نگارش قانون اساسی بهره‌مند نیستند و باید این مهم توسط خود عراقی‌ها یا منتخبان آنها انجام پذیرد (Diamond, 2005: 11).

۲-۲- حوزه ارزش‌های سیاسی

ارزش‌های سیاسی در واقع، خود بخشی خاص از فرهنگ یا فرهنگ سیاسی جامعه هستند. اما

از آنجاکه اهمیت این دسته از منابع به مراتب در حوزه گفتمانی قدرت نرم از فرهنگ محض بیستر است و نیز در چارچوب نظری ما هم به عنوان حوزه‌ای مستقل مطرح شده، در اینجا به اختصار به این حوزه می‌پردازیم. در خصوص این حوزه همچنین نکته مهم قابل بحث این است که در عرصه رقابت با آمریکا، آمریکایی‌ها از حوزه اول نسبت به ما قوی‌ترند و بیشتر تلاش می‌کنند؛ منابع این حوزه نیز متعدّدند؛ اما ما در اینجا تنها به انقلاب اسلامی و هویت ما، عدالت‌خواهی جهانی و مردم‌سالاری دینی می‌پردازیم.

۲-۲-۱- انقلاب اسلامی و هویت جدید

هویت از اساس به فهم و درک افراد از خودشان و به یک وجود مشخص و متمایز اشاره دارد. هویت شیوه‌ای است که فرد، یا جامعه خویش را تعریف می‌کند و بازمی‌شناسد. هر آنچه ما را از دیگران متمایز می‌سازد، هویت ماست. هویت به سه سطح فردی، اجتماعی و ملی تقسیم می‌شود. بالاترین سطح هویت، هویت ملی است (هرسیچ و تویسرکانی، ۱۳۸۹: ۱۵۸). اگر تاریخ تمدن‌های انسانی را مرور کنیم، می‌توانیم با اطمینان ادعا کنیم که در میان هویت‌های اجتماعی کلان شناخته شده، هویت مربوط به تمدن ایرانی پیچیده‌ترین الگوی تحول و تأثیرگذاری را داشته است. ایران و ایرانیان در طول تاریخ طولانی و پر بار خود، گنجینه‌ای عظیم را بر تمدن جهان چه از نظر مادی و چه معنوی افزوده‌اند و ایرانیان به خود می‌بالند که در تمدن جهان سهمی بی‌نظیر داشته‌اند. حوزه تمدنی وسیع ایران که از چین، کشمیر و فلات پامیر تا آناتولی امتداد دارد، از مؤلفه‌های هویت ایرانی و نیز از عناصر قدرت نرم ایران محسوب می‌شود (همان، ۱۶۱)؛ در این ارتباط، انقلاب اسلامی ایران نقشی بسیار مهم را ایفا کرده است یعنی به نوعی به احیا و بازسازی هویت ایرانی در جهان معاصر پرداخته است. انقلاب اسلامی ایران با هویتی دینی شناخته شده و پیوندی ناگسستنی با مذهب تشیع و اندیشه‌های آریایی- ایرانی به عنوان زمینه‌ساز شکل‌گیری آن دارد.

این در حالی است که انقلاب اسلامی ایران، جذبه‌ای خاص برای مردم عراق داشته و دارد. جنبش شیعیان عراق و گروه‌های معارض عراقی و مردم عراق پس از وقوع انقلاب اسلامی ایران، به دلایل گوناگون، مهم‌ترین کانون پذیرش و ترویج آمال و اهداف این انقلاب در جهان اسلام بوده‌اند. قیام مردم عراق در عاشورای ۱۹۷۹ و سرکوب و کشتار خونین مردم این کشور و اعدام علامه سید محمدباقر صدر چندی پس از پیروزی انقلاب اسلامی از تأثیرهای عمیق انقلاب در روند بیداری اسلامی در عراق نشان داشته است. با عنایت خاص مردم عراق به انقلاب اسلامی، آنها در عمل به هویت ما تعلق خاطر نشان داده‌اند و راه تحقق هویتی واحد را پیموده‌اند. وقوع جنگ تحمیلی خود

نشانگر تلاش برای جلوگیری از ورود انقلاب و ارزش‌های آن به عراق بوده‌است.

۲-۲-۲- عدالت‌طلبی جهانی

عدالت از بنیادی‌ترین ارزش‌های موجود در اندیشه سیاسی و حکومت‌مداری ایرانیان است به‌گونه‌ای که بارها در منابع باستانی مانند اوستا، کتیبه‌ها و سنگ‌نبشته‌ها به لزوم اجرای آن اشاره شده‌است و انعکاس این مهم در نظام شهریاری ایرانیان، نمود عینی یافته‌است؛ برای نمونه، *داریوش بزرگ*، پادشاه هخامنشی در سنگ‌نوشته‌هایی که از خود به‌جا گذاشته‌است پیوسته از خدا می‌خواسته که او را در برقراری عدالت در میان مردمان او یاری‌رساند. *مهدسی معروف* به «البشاری» تاریخ‌دان و جغرافیایونیس عرب در سده‌های نخستین اسلامی از قول خلیفه دوم آورده‌است: «انی تعلمتُ العدل من کسری» (من عدالت را از کسری آموختم) (مجتهدزاده، ۱۳۸۵: ۴). در شاهنامه فردوسی که نماد و آئینه تمام‌عیار تبلور فرهنگ و هویت ایرانی محسوب می‌شود از زبان و مرام پهلوانان و شهریارانی نظیر *سام*، *زال*، *رستم* و *اسفندیار* آمده‌است که هدف اصلی حکومت باید دین‌داری و «داد و دهش» باشد زیرا دین‌داری و داد و دهش است که موجب خشنودی مردم و در نتیجه، مقبولیت، مشروعیت و دوام حکومت خواهد شد (رستگار، ۱۳۸۴: ۳۵)؛ پس از آن، چه در دوران نخستین اسلامی و چه در دوران معاصر، عدالت‌خواهی ایرانیان در مذهب تشیع، تبلور و عینیت یافت. اهمیت و برجستگی مفهوم عدالت در مذهب تشیع تا بدان جاست که یکی از اصول پنج‌گانه آن را عدالت تشکیل داده‌است؛ انعکاس این مفهوم در نظام انقلابی ایران هم در قانون اساسی و هم در سخنان بنیان‌گذار و رهبران آن نمود کامل یافته‌است (امام خمینی، ۱۳۷۰: ۲۴/۹).

وقوع انقلاب اسلامی ایران، سبب طرح مجدد گفتمان کهن و ریشه‌دار عدالت اسلامی شد و این گفتمان را به‌عنوان رقیب جدی برابری‌طلبی چپ (مارکسیستی) و عدالت‌خواهی لیبرالیستی مطرح-ساخت. ایران همواره حامی، مبلغ و مروج عدالت‌گستری و عدالت‌خواهی در این کشور همسایه و شیعی بوده‌است. از منظر جمهوری اسلامی ایران، راه تحقق عدالت در عراق در اعمال حاکمیت قانون، تساوی تمامی قومیت‌های عراقی در برابر آن، توزیع صحیح منابع و امکانات اقتصادی، آموزشی و فرصت‌های سیاسی است. با توجه به ساختار قومیتی عراق، این مهم از جمله نیازهای واقعی عراق امروزی محسوب می‌شود. ایرانیان با سابقه درخشان خود در عرصه عدالت و عدالت‌گستری اکنون با حمایت‌های همه‌جانبه خود برای ایجاد عدالت در این کشور و تبدیل این موضع به یک سنت، ضمن ارائه الگوی عینی و موفق از مسیر عدالت‌محوری، در ارائه مفاهیم و راهکارهای اجرایی و عملی

گسترش دادگری و بیدادستیزی در عراق تشنه عدل و عدالت نیز موفق عمل کرده‌اند؛ در نتیجه، نفوذ و محبوبیتی که از این طریق نصیب ایران شده‌است از جمله بزرگ‌ترین سرمایه‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در این کشور به‌شمارمی‌آید.

۲-۲-۳- مردم‌سالاری دینی

درحالی‌که در سر آغاز قرن بیستم، هنوز هیچ ملتی در سراسر آسیا با مردم‌سالاری آشنایی نداشت و درحالی‌که ایالت متحده آمریکا، همچنان اسیر درون‌گرایی خود بود، ایرانیان با دست‌زدن به انقلاب مشروطه، حرکت به سوی مردم‌سالاری را شروع کردند و در راهی گام‌نهادند که سرمنزلش نمی‌توانست جز واقعیت‌یافتن یک دموکراسی بومی و دینی در ایران باشد؛ از این منظر، مردم‌سالاری، میراث خاص غرب نیست و درواقع، میراث مشترک بشری است؛ ایرانیان نیز در شکل‌گیری این پدیده هویتی در طول تاریخ نقشی مهم برعهده‌داشته‌اند.

البته شکل تحقق‌یافته مردم‌سالاری در ایران تحت تأثیر آموزه‌های اسلامی - شیعی و انقلاب اسلامی ایران، نوعی منحصربه‌فرد است که با عنوان «مردم‌سالاری دینی» شناخته‌می‌شود. مردم‌سالاری دینی، در حکومت جمهوری اسلامی ایران ریشه‌دارد و مؤلفه‌های آن بر دو پایه بناگذاشته‌شده‌اند: یکی «جمهوریت» و دیگری «اسلامیت»؛ یعنی ساختار سیاسی و نحوه آرایش نهادهای آن، جمهوری است اما محتوای آن، اسلامی است؛ مهم‌ترین نوآوری انقلاب اسلامی در این خصوص ترکیب جمهوریت با اسلام است (عیوضی، ۱۳۸۹: ۲۹۲)؛ در این نوع مدل حکومتی بر مشروعیت الهی و مقبولیت مردم در چهارچوب مقررات الهی به‌صورت توأمان تأکیدمی‌شود.

انقلاب اسلامی ایران نمونه‌ای موفق و الگویی جدید از دموکراسی را به جهان ارائه‌داده‌است که در آن «خدا» و «انسان» هر دو محورند. براساس قانون اساسی و همچنین سند چشم‌انداز بیست ساله، ایران باید مروج و الگوی عینی مردم‌سالاری دینی بر اساس آموزه‌های اسلامی - ایرانی باشد (دهشیری، ۱۳۸۴: ۴۲). با توجه به زمینه‌ها و بسترهای فرهنگی و مذهبی مشترک میان دو کشور ایران و عراق مردم‌سالاری دینی به‌عنوان رقیبی جدی در مقابل تفکر لیبرال دموکراسی آمریکا این ظرفیت را دارد که سبب جذب و اقتناع عموم مردم و نخبگان عراقی شود. اهمیت ایجاد و تبلیغ الگوی مردم‌سالاری دینی با توجه به طرح و گفته‌های مقام‌های آمریکایی که قصددارند اصول دموکراسی آمریکایی را در ساختار سیاسی و حکومتی عراق به‌عنوان سرمشق و نمونه‌ای موفق برای سایر جوامع و ملت‌های خاورمیانه و رقیبی برای مردم‌سالاری دینی جمهوری اسلامی ایران مطرح‌کنند چند برابر

خواهدشد (ایروانی، ۱۳۸۸: ۱۶۳).

ترویج و اجرای صحیح الگوی مردم‌سالاری دینی در ایران، اشتیاق جهانیان و به‌ویژه، ملت مسلمان عراق را به نقش‌آفرینی بیشتر و مؤثرتر جمهوری اسلامی ایران در صحنه بین‌المللی و داخلی این کشور افزایش خواهدداد و از این طریق، جمهوری اسلامی ایران، توانایی اقتناع و جذب مخاطبان عراقی را درخصوص به‌کارگیری نمونه ترویجی مردم‌سالاری دینی و همچنین به طریق مؤثرتر، توانایی شکل‌دهی به اولویت‌های آنان در نحوه حاکمیت مطلوب را به‌دست‌خواهدآورد.

۲-۳- حوزه سیاست خارجی

در این حوزه به منابعی از قدرت نرم توجه‌می‌شود که در عرصه سیاست خارجی و روابط متقابل دو جامعه و دو نظام سیاسی مطرح‌اند و به‌نوعی به تأثیر حکومت و نظام سیاسی و تصمیم‌های آن نسبت‌به جامعه مقابل بازمی‌گردند. به لحاظ تاریخی، سیاست خارجی ایران از زمان صفویه به این سو، یک سیاست خارجی شیعه‌محور بوده‌است و در ادامه، امروزه، منافع ملی ایران با ژئوپلیتیک نوین شیعه، به‌طور عمیق پیوندخورده‌است و بدین دلیل است که ایران، همواره خواهان آن است که در میان شیعیان جهان به‌خصوص در عراق تأثیرگذار باشد؛ ما در این حوزه نیز تنها به سه منبع مهم توجه‌می‌کنیم که عبارت‌اند از: اصل حمایت، جلوگیری از مداخله اجانب و وجود احزاب سیاسی و گروه‌های مبارز عراقی.

۲-۳-۱- اصل حمایت

این اصل با مقاصد زیر و به‌عنوان رکن مهم سیاست خارجی ایران در عراق مورد توجه قرارمی‌گیرد. به لحاظ سیاسی حمایت از رژیم عراق و نظام سیاسی این کشور می‌تواند زمینه تقویت روابط و مناسبات دو کشور و ایجاد اعتماد در میان رهبران عراقی را نسبت‌به ایران به‌وجودآورد و درعمل به منبعی مهم برای تحقق ارزش‌های انقلاب اسلامی در عراق در رقابت با آمریکا و غرب تبدیل‌شود. به لحاظ مذهبی اصل حمایت از شیعیان و مستضعفان و پشتیبانی از مرجعیت شیعه عراقی و حفظ و ارتقای جایگاه آن در عراق، امری مهم برای جمهوری اسلامی ایران است. به لحاظ سیاسی، حمایت از شیعیان، از طرفی به‌منظور جلوگیری از روی‌کارآمدن یک رژیم سنی مذهب مخالف با ایران و معارض با شیعیان در عراق و ازطرف‌دیگر، برای حمایت از شیعیان در جهت زمینه‌سازی برای حضور مؤثر و کارآمد آنها در ساختار سیاسی عراق است که از این منظر با اولویت‌های انقلابی ایران

نیز سازگار است؛ از نتایج دیگر حمایت، اطمینان‌یافتن از یکپارچگی عراق و جلوگیری از تجزیه این کشور است. زیرا گذشته از وقوع خطر جنگ داخلی در عراق، ایران کردستانی مستقل را تحمل نخواهد کرد؛ به این دلیل که ایجاد کشور مستقل کردستان، ممکن است به تضادها و حرکات استقلال‌خواهانه کردهای ایرانی بینجامد.

مشارکت در بازسازی عراق از ابعاد مهم حمایت است که خود حاصل نیاز روزافزون عراق به بازسازی و ترمیم خرابی‌هایی است که در نتیجه چندین دهه سیاست‌های جنگ‌طلبانه حزب بعث بر این کشور تحمیل شده‌است، این مشارکت، ایران را قادر خواهد کرد علاوه بر کسب سودهایی سرشار از مشارکت در بازسازی عراق، از این فرصت برای گسترش نفوذ خود در عراق به‌ویژه در مناطق شیعه‌نشین استفاده کند؛ همچنین [تلاش برای ایجاد] عراقی آباد و پیشرفته از پیش شرط‌های اساسی همکاری‌های مسالمت‌آمیز میان ایران با این کشور است.

به‌علاوه ایران بر مبنای اصل حمایت با گسترش نفوذ خود در عراق می‌تواند ضمن اشراف بر فعالیت‌ها و اقدام‌های مجاهدین خلق (منافقین) در عراق از هرگونه خرابکاری آنها ضد خود جلوگیری کند و به لحاظ حقوقی و سیاسی، زمینه‌های اخراج و تعقیب قضایی آنها را نیز فراهم سازد؛ در این زمینه، قانون اساسی عراق تأکید دارد که عراق به مبارزه با تروریسم، پایبند است و سعی می‌کند تا از تبدیل شدن عراق به مرکز، گذرگاه یا صحنه فعالیت‌های تروریستی جلوگیری کند (قانون اساسی عراق، ماده ۷ بند ۲).

۲-۳-۲- جلوگیری از مداخله اجانب در عراق

سیاست جمهوری اسلامی ایران در عراق همواره بر اصولی مبتنی بوده که ضمن حفظ استقلال و امنیت عراق، امنیت و ثبات خود را نیز تأمین کند، زیرا امنیت و ثبات ایران در گرو امنیت و ثبات عراق و منطقه است. به همین دلیل، جمهوری اسلامی ایران هرگونه مداخلات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای چه به صورت مستقیم و چه غیرمستقیم در این کشور، مخالف بوده و هست و این مخالفت می‌تواند به‌عنوان منبعی مهم در عرصه تولید قدرت نرم برای ایران به‌کار گرفته شود؛ برای نمونه، تا پیش از خروج نیروهای نظامی آمریکایی از عراق در سال ۲۰۱۱ میلادی، یکی از مهم‌ترین اهداف جمهوری اسلامی ایران در برنامه‌ریزی‌های سیاست خارجی، شکست دادن و زمین‌گیر کردن نیروهای آمریکایی در عراق و در نهایت، خروج آنها از عراق به منظور تأمین امنیت ملی خود و عراق بود؛ زیرا ایران بارها اعلام کرده بود تا هنگامی که نیروهای بیگانه آمریکایی در عراق باشند، نه برای عراق و نه برای ایران،

امنیت وجود نخواهد داشت؛ اکنون پس از خروج آمریکایی‌ها از عراق، جمهوری اسلامی می‌خواهد مطمئن شود که در آینده نیز نیروهای نظامی آمریکایی در عراق حضور نخواهد یافت و در این کشور همسایه، پایگاه‌های نظامی احداث نخواهد کرد (Milanai.2005:30-36)؛ از طرفی، امروزه شواهدی دال بر حضور سیاسی-اطلاعاتی و اقتصادی اسرائیل در شمال عراق وجود دارند که به زیان ایران خواهد بود و استقلال عراق را نیز تهدید خواهد کرد. با توجه به سابقه این قبیل ارتباطات میان اسرائیل و مبارزان کرد که در گذشته نیز ضد رژیم بعث و صدام به مبارزه دست می‌زدند، نگرانی و تهدید منافعی ملی و تمامیت ارضی ایران را در پی داشته است (کوزه گر، ۱۳۸۹: ۵۵).

۲-۳-۳- احزاب سیاسی و گروه‌های مبارز

زمینه‌های نفوذ ایران در گروه‌های سیاسی شیعه عراق به سال ۱۹۸۰ میلادی بازمی‌گردد. به علاوه هدف اصلی سیاست خارجی ایران، از همان آغاز به کار حکومت جدید انقلابی، تبلیغ و گسترش اسلام انقلابی بوده و هست (اسپوزیتو، ۱۳۸۸: ۴۷). صدور انقلاب و پشتیبانی از «مردم مظلوم جهان» یکی از اصول بنیادین انقلاب اسلامی ایران است (Chubin.2009:165)؛ با توجه به این مهم می‌توان این‌گونه استنباط کرد که یکی از مهم‌ترین دلایل حمایت از احزاب و جنبش‌های عراقی، گسترش معارف و اندیشه‌های انقلابی و دفاع از مردم تحت ستم حزب بعث عراق بوده، با پیروزی انقلاب اسلامی، واحد نهضت‌های آزادی‌بخش سپاه پاسداران عهده‌دار کمک به گروه‌های عراقی مخالف رژیم صدام شد (نادری، ۱۳۸۶: ۱۷۲). ایران در زمان صدام حسین، پناهمگاهی برای رهبران تبعیدی عراق محسوب می‌شد و این مبارزان از حمایت‌های مادی و معنوی ایران بهره‌مند می‌شدند (Katzman.2010).

مهم‌ترین احزاب و گروه‌های مورد بحث در این عرصه عبارت‌اند از:

- جماعت العلماء عراق: این حزب در ۱۹۵۸ ایجاد شد اما با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، امیدی تازه و راهی جدید در فعالیت‌های آن آغاز شد به طوری که برخی از علمای این حزب به دستور سید محمدباقر صدر مأمور شدند تا به ایران مهاجرت کرده، سازماندهی، ارتباط و آموزش نیروهای اسلامی عراق را در داخل ایران برعهده‌گیرند (مریجی، ۱۳۸۷: ۸۵ تا ۸۸).
- حزب الدعوه الاسلامیه: این حزب در سال ۱۹۵۷ میلادی در نجف اشرف به رهبری سید محمدباقر صدر تشکیل شد (فولر و فرانکه، ۱۳۸۳: ۱۷۵). به اعتقاد برخی از نویسندگان، نظریه «گواهی مرجع» شهید سیدباقر صدر از لحاظ نظری و عملی با نظریه «ولایت فقیه» امام خمینی (ره)

هماهنگ است؛ به‌علاوه آیت /... صدر به چارچوب ایدئولوژیک نظام اسلامی در ایران کمکی عمده کرد. به‌نحوی که وی را پدرخوانده فکری قانون اساسی ایران دانسته‌اند (دکمجیان، ۱۳۶۶: ۱۹۸)؛ پس از پیروزی انقلاب عده زیادی از اعضای این حزب، خواستار تغییر در اساس‌نامه حزبی منطبق با الگوگیری از انقلاب اسلامی شدند (مریجی، ۱۳۸۷: ۸۸ تا ۹۲)؛ علاوه‌براین الگوگیری، انقلاب ایران سبب احیاء، تشدید و توسعه فعالیت این حزب شد (حشمت‌زاده، ۱۳۸۷: ۸۴)؛ به‌گونه‌ای که پس از پیروزی انقلاب ایران، موجی جدید از ناآرامی‌ها در میان مردم شیعه عراق به رهبری این حزب به‌وقوع پیوست. تظاهرکنندگان، خواستار اصلاح‌های اجتماعی و استقرار یک حکومت اسلامی شدند و دولت عراق با توجه به تشویق علنی قیام شیعیان از سوی امام خمینی (ره) و ارتباط نزدیک ایشان با حزب الدعوه، این حزب را همچون ستون پنجمی می‌دانست که هدفش ادغام عراق در ایران بود (غلامی قمی، ۱۳۸۶: ۱۸۲).

- سازمان عمل اسلامی: این سازمان در اواخر دهه ۱۹۶۰ میلادی، مقارن با اوج فشارهای حزب بعث بر مخالفان، به‌ویژه مبارزان اسلامی تشکیل شد و رویکرد کنونی آن تأکید بر «مبارزات فرهنگی» است که اساس آن از تفکرهای انقلاب اسلامی ایران در زمینه ایجاد شرایط تحقق فضای فرهنگی اقتباس شده‌است (مریجی، ۱۳۸۷: ۹۲ و ۹۳).

- مجلس اعلاای انقلاب اسلامی عراق: این نهاد در ۱۳۶۱ ه.ش (۱۹۸۲ میلادی) تشکیل شد (همان: ۳۲۹). شاخه نظامی این سازمان، با نام «سپاه بدر» با حمایت‌های ایران و آموزش‌های نظامی شاخه برون‌مرزی سپاه ایران (سپاه قدس) پا گرفت و در جنگ ایران و عراق به نفع ایران در جبهه‌ها به نبرد پرداخت (زیباکلام و عبدا... پور، ۱۳۸۸: ۵۳)؛ هدف از تشکیل این سازمان، ایجاد مرکز ثقلی برای ارتقای هم‌گرایی میان گروه‌ها و اشخاص مستقل معارض اسلامی به‌منظور سرنگونی صدام و تحقق حکومت اسلامی در عراق بود. «مبنای عقیدتی این سازمان بر مبنای نظریه «ولایت فقیه» قرار گرفته‌است» (مریجی، ۱۳۸۷: ۹۲ تا ۹۴).

- جماعت صدر ثانی و سپاه مهدی: اینان پیروان سید مقتدی صدر، شخصیت سیاسی و مذهبی اسلام‌گرای عراقی و یکی از بانفوذترین رهبران شیعیان عراق و شناخته‌شده‌ترین بازمانده خاندان صدر هستند. روابط ایران با مقتدای صدر، رهبر این سازمان و یکی از روحانیون بلندپایه عراق که همواره مخالف دائمی حضور نظامی آمریکا در عراق نیز به‌شمار می‌آمد یکی از منابع قدرت نرم ایران محسوب می‌شود (Katzman.2005). مقتدای صدر در واکنش به تهدیدهای نظامی آمریکا ضد

ایران به صورت شفاف و قاطع اعلام کرده بود که در صورت حمله نظامی آمریکا به ایران، سربازان آمریکا را در عراق مورد هدف و حمله قرار خواهد داد (بشری و قهرمان پور، ۱۳۸۷: ۱۹۵). برخی از این گروه‌ها در ساختار جدید قدرت عراق حضور دارند؛ این گروه‌ها در دوران تبعیدشان در ایران، ارتباطی قابل توجه با رهبران ایرانی به دست آورده‌اند. حضور و نفوذ ایران در گروه‌ها و سازمان‌های عراقی هم در بعد سیاسی (به صورت توافق‌نامه و همکاری‌های سیاسی) و هم به صورت نظامی (مانند سپاه بدر)، مشاهده می‌شود (Katzman, 2005)؛ به علاوه، ایفای نقش از سوی ایران در میان احزاب سیاسی و مذهبی تأثیرگذار عراقی، می‌تواند باعث ایجاد آرامش، امنیت و تفاهم سیاسی در عراق شود و این خود به تحقق اهداف انقلاب کمک می‌کند.

پ- زمینه‌های تحقق قدرت نرم ایران

برای عینی و عملی شدن منابع نرم قدرت، علاوه بر تصمیم‌های سیاسی، اقدام‌های رهبران ایران در عرصه سیاست خارجی و وجود احزاب و گروه‌های عراقی، ایران دارای کانال‌هایی گوناگون در عراق بوده است (Katzman, 2010)؛ یکی از عوامل مهم در این عرصه نهادها هستند (Nye, 2004: 256)؛ به ویژه نهادها و سازمان‌های دولتی و غیردولتی ایرانی که در زمینه گسترش مذهب تشیع و همچنین به منظور اشاعه فرامرزی آن فعال‌اند، مانند: «سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی و مجمع جهانی اهل بیت (ع)»؛ به علاوه مسئله اعزام مبلغ به خارج از کشور توسط «مرکز بین‌المللی تبلیغ»، بخشی دیگر از زمینه‌های تحقق قدرت نرم ایران را باید در عملکرد «سازمان حج و زیارت» مشاهده کرد (احمدی، ۱۳۸۹: ۵۵).

یکی دیگر از عوامل عینی و بالفعل شدن قدرت نرم مذهبی جمهوری اسلامی ایران را عوامل اقتصادی، سرمایه‌گذاری و اقدام‌های عمرانی ایران در عراق و به طور عمده در شهرهای شیعه‌نشین و کردنشین این کشور تشکیل می‌دهد؛ زیرا اقدام‌های اقتصادی (در قالب کمک‌های مالی یا وام‌های بلاعوض (اقدام‌های عمرانی و ...)) نیز در افزایش قدرت نرم یک کشور مؤثرند (نای، ۱۳۸۹: ۸۷)؛ برای نمونه ایران در چند سال اخیر شروع به ساخت نیروگاه‌های برق در عراق کرده است؛ به گونه‌ای که امروزه تأمین انرژی بصره به ایران بستگی دارد.

اما سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در عراق مهم‌ترین عامل تحقق و اجرای قدرت نرم ایران در این سرزمین محسوب می‌شود. سیاست خارجی خود در عرصه عمل در قلب دیپلماسی یا تعارض (جنگ) تحقق می‌یابد (ر.ک. وایت، ۱۳۷۹: ۱۷ تا ۱۹) اما تحقق قدرت نرم تنها از طریق

دیپلماسی ممکن می‌شود و به بیانی: «دیپلماسی چهره عملی و استراتژیک (راهبردی) سیاست خارجی است» (جمشیدی، ۱۳۹۰: ۳۴). امروزه دیپلماسی در سه بعد اساسی جلوه‌گر می‌شود که عبارت‌اند از دیپلماسی سیاسی یا رسمی، دیپلماسی عمومی و دیپلماسی رسانه‌ای و دیجیتالی. به‌طورکلی دیپلماسی عمومی و دیپلماسی رسانه‌ای همراه با دیپلماسی رسمی به‌عنوان سه بنیاد اساسی تحقق عملی قدرت نرم ایران در عراق محسوب می‌شوند.

نتیجه‌گیری

قدرت نرم، زمانی تحقق می‌یابد که کشوری قادر باشد از طریق دین و فرهنگ، ارزش‌ها و نهادسازی در روابط خود با سایر کشورها به‌منظور دستیابی به اهداف و منافع ملی خود اصل «جذابیت» و «اقتناع» را درپیش گیرد. به‌کارگیری قدرت نرم در جهت تحقق ارزش‌های انقلاب اسلامی در عراق برای ما، عاری از لحن دشمنانه و دستوری خواهدبود و تداعی سلطه نخواهدکرد؛ همچنین محیطی خلاقانه‌تر و انعطاف‌پذیرتر را برای اجرای سیاست‌های ایران فراهم می‌سازد و درعین حال، مضامینی متعدد و متنوع‌تر از فرهنگ ایرانی - اسلامی را به لایه‌های فرهنگی و هویتی این کشور انتقال خواهدداد.

ایران در ارتباط با عراق، منابع متعدد و حائز اهمیت در حوزه قدرت نرم دارد، اما قدرت نرم ایران در عراق هنگامی محقق می‌شود که دولت و ملت این کشور مجاب شوند ایده‌آل‌های ایران را از طریق باورپذیری درونی و اعتقاد قلبی بپذیرند و در راه عینی شدن آنها خود را با ایران سهیم بدانند. از این منظر، بسیاری از تحلیل‌گران معتقدند ایران وارد مرحله جدیدی در سطح نظام بین‌المللی شده‌است که در حال جایگزین شدن با آمریکا در عراق است، با این تفاوت که پشتوانه این حضور، تسخیر قلوب ملت و دولت عراق خواهدبود؛ درنتیجه تحقق قدرت نرم ایران در عراق باید به‌گونه‌ای برنامه‌ریزی شود که توان مقابله با قدرت نرم آمریکا و متحدانش را داشته‌باشد. مهم‌ترین برگ برنده ایران در این زمینه تسلط بر افکار مسئولان و مردمان عراق است، مؤلفه‌ای که آمریکا با توجه به عملکرد خویش نمی‌تواند بدان دست‌یابد؛ البته تبدیل منابع قدرت بالقوه ایران به قدرت عینی، مستلزم طراحی سیاستی خوب و رهبری کارآمد به‌ویژه در سطح سیاست خارجی و دیپلماسی عمومی است، زیرا نوع و محتوای سیاست‌های ایران در داخل و خارج از عراق می‌تواند قدرت نرم را تقویت یا تضعیف کند. از طرفی غرور ناشی از وجود این منابع به‌صورتی که برای مردمان عراق هجمه و تداعی تسلط ایجادکنند، به تضعیف قدرت نرم ایران در این کشور منجر خواهدشد؛ ازطرف دیگر بی‌اعتمادی ایجادشده توسط

حزب بعث نسبت به اهداف ایرانیان به همراه درک ناصحیح از فرهنگ انقلاب اسلامی بدین سان که در عراق این‌گونه القاشود که جمهوری اسلامی ایران به‌دنبال تحمیل و ایجاد فرهنگ، زندگی و حکومتی شبیه به مدل رسمی خود است، نیز می‌تواند در کم و کیف قدرت نرم ایران مؤثر واقع شود لذا پیگیری و تأکید ایران بیشتر باید بر قانون‌مداری، گسترش و ترویج مردم‌سالاری دینی، عدالت‌گستری و اصل حمایت، همراهی با ساختار سیاسی، مرجعیت و روحانیت و گروه‌های سیاسی عراقی قرارگیرد. سیاست‌گذاری‌های منطقی در مورد به کارگیری این منابع باعث افزایش قدرت نرم ایران خواهدشد.

فهرست منابع

۱- منابع فارسی

- احمدی، فرج‌ا... و یاسر قزوینی حائری (۱۳۸۹). «فرایند تدوین قانون اساسی عراق». *فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، دوره ۴۰، شماره ۲، صص ۱۹ تا ۳۷.
- احمدی، عباس (۱۳۸۹). «نقش مذهب در گسترش حوزه نفوذ، مطالعه موردی: تشیع و ایران». *فصلنامه ژئوپلیتیک*، سال ششم، شماره ۱، صص ۳۷ تا ۷۴.
- اسپوزیتو، جان. ال (۱۳۸۸). *انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن*، مترجم محسن شانه چی، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران (انتشارات باز)، چ ۳.
- ایروانی، امیر سعید (۱۳۸۸). «عملیات آمریکا در عراق و تأثیر آن بر ایران». *فصلنامه روابط خارجی*، سال اول، شماره ۲، تابستان، صص: ۱۵۳ تا ۱۸۳.
- حکیم، سید محمدباقر (۱۳۸۲). «شیعیان عراق، آرمان‌ها و چالش‌ها». *فصلنامه شیعه‌شناسی*، سال اول، شماره ۱، صص ۲۵ تا ۴۰.
- برزگر، کیهان (۱۳۸۵). «عراق چشم به راه فرصت‌سازی ایران». *روند اقتصادی*، شماره ۱۷، بهمن ماه، صص: ۱۷ تا ۲۱.
- برنا بلداجی، سیروس (۱۳۸۴). «روابط جمهوری اسلامی ایران و عراق نوین (چالش‌ها، فرصت‌ها و تهدیدها)». *مجلس و پژوهش*، سال دوازدهم، شماره ۴۹ و ۵۰، صص: ۲۷۳ تا ۳۰۰.

- بشری، اسماعیل و رحمان قهرمان پور (۱۳۸۷). *سلاح‌های هسته‌ای جدید و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی و مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- بهزادی مددی، حمید (۱۳۷۴). *اصول روابط بین‌الملل و سیاست خارجی*، تهران: چاپ کارون.
- پورسعید، فرزاد (۱۳۸۹). «برآورد استراتژیک عراق آینده». *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال سیزدهم، شماره ۱، شماره مسلسل ۴۷، صص ۱۷۶ تا ۲۱۱.
- تافلر، آلوین (۱۳۷۰). *تغییر ماهیت قدرت (دانش، ثروت و خشونت در آستانه قرن بیست و یکم)*، مترجمان حسن نورائی بیدخت و شاهرخ بهار، تهران: مرکز ترجمه و نشر کتاب.
- جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۷۱). «روابط ایران و عراق از آتش بس تا پذیرش دوباره قرارداد ۱۹۷۵». *اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، شماره ۵۹ و ۶۰، مرداد و شهریور ماه، صص: ۵۲ تا ۶۰.
- جمالی، جمال (۱۳۸۶). «هلال شیعی و هژمونی آمریکا». *فصلنامه شیعه‌شناسی*، سال پنجم، شماره ۲۰، صص ۷ تا ۳۱.
- جمالی، حسن (۱۳۸۰). *تاریخ و اصول روابط بین‌الملل*، قم: مرکز تحقیقات اسلامی.
- جمشیدی، محمدحسین (۱۳۹۰). *دیپلماسی پیامبر(ص)*، تهران: شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.
- حجازی، حسین (۱۳۸۷). «ظرفیت‌های قدرت نرم‌افزاری جمهوری اسلامی ایران در مقابله با تهدیدات نرم آمریکا». *گزارش جمهور*، شماره ۲۶ و ۲۷، هجدهم و بیست و چهارم فروردین، صص ۳ تا ۲۸.
- حشمت زاده، محمدباقر (۱۳۸۷). *تأثیر انقلاب اسلامی بر کشورهای اسلامی*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- دکمچیان، هرایر (۱۳۶۶). *جنبش‌های اسلامی در جهان عرب*، ترجمه حمید احمدی، تهران: انتشارات کیهان.
- دهشیری، محمدرضا (۱۳۸۵). «جایگاه قدرت نرم در انقلاب اسلامی ایران». *مجله حضور*، شماره ۵۷.

- (۱۳۸۴). «الزامات فراروی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در پرتو سند چشم‌انداز بیست ساله». *فصلنامه اندیشه انقلاب اسلامی*، شماره ۱۶ و ۱۴، بهار و تابستان، صص: ۴۱ تا ۶۶.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۸۷). *چارچوبی مفهومی برای ارزیابی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: دفتر گسترش تولید علم (وابسته به معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی).
- رازانی، احسان (۱۳۸۴). *پیامدهای حضور نظامی آمریکا در عراق بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: سازمان عقیدتی و سیاسی ناجا.
- رستگار، نصرت ... (۱۳۸۴). «مشروعیت حکومت از دیدگاه فردوسی، کسب قدرت شاهان ایران باستان به روایت شاهنامه». *آئینه میراث*، دوره جدید، سال سوم، شماره ۲، تابستان، صص ۹ تا ۴۰.
- رمضان‌نوی، روح ... (۱۳۸۸). «درک سیاست خارجی ایران». *فصلنامه روابط خارجی*. شماره ۱، بهار، صص ۱۱ تا ۲۰.
- زیباکلام، صادق و محمد رضا عبدا... پور (۱۳۸۸). «بررسی نقش هم‌گرایی کردها و شیعیان عراق در موفقیت سیاست‌گذاری‌های امنیتی ایران در قبال عراق». *فصلنامه سیاست*. دوره ۳۹، شماره ۴، صص ۴۷ تا ۶۲.
- زین العابدین، یوسف (۱۳۸۶). «منافع ملی ایران و ژئوپلیتیک نوین شیعه». *فصلنامه شیعه‌شناسی*، سال پنجم، شماره ۱۹، صص ۳۳ تا ۴۹.
- سید نژاد، سید باقر (۱۳۸۸). «سلفی‌گری و تأثیر آن بر جمهوری اسلامی ایران». *مطالعات راهبردی*، سال سیزدهم، شماره ۱، شماره مسلسل ۴۷، صص ۹۵ تا ۱۲۲.
- شریعتی، شهروز (۱۳۸۸). «معرفت‌شناسی بنیان‌های فکری گفتمان مقاومت اسلامی در انقلاب ایران» *مجموعه مقالات همایش بین‌المللی مقاومت*، تهران: وزارت علوم، تحقیقات و فناوری. دفتر برنامه‌ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی. صص ۵۷ تا ۸۲.
- فولر، گراهام. ای و فرانکه و رحیم ورنه (۱۳۸۳). «شیعیان عراق». *فصلنامه شیعه‌شناسی*، ترجمه خدیجه تبریزی، سال دوم، شماره ۶، صص ۱۵۵ تا ۱۸۹.

- قنبری، آیت (۱۳۸۱). «منابع قدرت روحانیت شیعه در ایران». *فصلنامه علوم سیاسی*، سال پنجم، شماره ۲۰، زمستان، صص ۲۶۷ تا ۲۸۱.
- قوام، عبدالعلی (۱۳۸۴). «فرهنگ: بخش فراموش شده یا عنصر ذاتی روابط بین‌الملل». *فصلنامه سیاست خارجی*، سال نوزدهم، شماره ۲، تابستان، صص ۲۹۱ تا ۳۰۳.
- عیوضی، محمدرحیم (۱۳۸۹). «مقایسه مردم‌سالاری دینی و لیبرال دموکراسی». *راهبرد یاس*، شماره ۲۱، صص ۲۹۱ تا ۳۱۱.
- غلامی قمی، مصطفی (۱۳۸۶). «نقش شیعیان و رهبران مذهبی در تحولات سیاسی و اجتماعی عراق در سده اخیر». *فصلنامه شیعه‌شناسی*، سال پنجم، شماره ۱۷، صص ۱۶۷ تا ۱۹۴.
- کوزه گر، ولی (۱۳۸۹). «روابط ایران با حکومت اقلیم کردستان عراق». *گزارش*، سال نوزدهم، شماره ۲۱۹، مرداد ماه، صص ۴۵ تا ۵۵.
- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۵). «دادگری پدیده‌ای از هویت ایرانی» (بخش دوم)، *اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، شماره ۲۲۳ و ۲۲۴، فروردین و اردیبهشت ماه، صص ۴ تا ۱۷.
- مریچی، شمس‌ا... (۱۳۸۷). *مبانی فکری و زمینه‌های اجتماعی جریان‌های معاصر عراق*، قم: موسسه بوستان کتاب (مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم).
- محمدی ملایری، محمد (۱۳۷۵). *تاریخ و فرهنگ ایران در دوره انتقال از عصر ساسانی به عصر اسلامی*، تهران: توس.
- موسوی، سید محمد (۱۳۸۷). «تحول گفتمان سیاسی تشیع در قرن بیستم». *فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*. دوره ۳۸، شماره اول، صص ۲۹۷ تا ۳۱۶.
- نادری، احمد (۱۳۸۶). *گفتمان جنبش شیعی عراق، بررسی انسان‌شناختی*، تهران: انتشارات نزدیک.
- نای، جوزف (۱۳۸۹). *قدرت نرم: ابزارهای موفقیت در سیاست بین‌الملل*. ترجمه سید محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، چ ۳.
- نجفی، فیروز (۱۳۸۶). «تأثیر انقلاب اسلامی بر جنبش شیعیان عراق». *پژوهش‌نامه تاریخ*، سال سوم، شماره ۱۰، صص ۱۳۱ تا ۱۵۳.

- هالستی، کی.جی (۱۳۷۳). *مبانی تحلیل سیاست بین‌الملل*، ترجمه بهرام مستقیمی و مسعود طارم سری، تهران: وزارت امور خارجه.
- هرسیج، حسین و مجتبی تویسرکانی (۱۳۸۹). «تأثیر مؤلفه‌های هویت‌ساز ایرانی بر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران». *فصلنامه تحقیقات فرهنگی*، دوره ۳، شماره ۹، بهار، صص ۱۵۱ تا ۱۸۰.
- وایت، برایان (۱۳۷۹). *دیپلماسی*، سیدحسین محمدی نجم، تهران: دوره عالی جنگ سپاه.

۲- منابع انگلیسی

- Abedin. Mahan(2002). "Iranian views on regime change in Iraq". *Jointly published by united state committee for a free lebanan and the middle east forum*.vol.4.no 11.
- Chubin.Shahram(2009). "Irans power in contex". *survival*.vol.5.no.1pp:165-190.
- Diamond,Larry(2005). "Building democracy after conflict, lessons from Iraq" *Journal of democracy*.Vo:16, no:1, January, pp: 9-23.
- Lock, Edward (2010). "Soft power and strategy developing a strategic concept of power" in: *Soft power and U.S.A foreign policy, theoretical, historical and contemporary perspective*. london and new york: Routledge.
- Mohammadi, Manouchehr (2008). "The source of power in Islamic republic of iran" *iranian journal of international affairs*.vol.16.no.2 pp:1-21.
- Milani.Mohsen (2005). "Iran.the status quo power". *Current History*.pp:30-36
- Nicool.Alexander(2007). "Iranian influence in Iraq". *Stratigic Studies*. vol.13. issue:10.
- Nye. Joseph(2011). *The Future of power*. United States: public affairs.
- ----- (2010). "The future of soft power in us foreign policy". In: *Soft power and U.S.A foreign policy, theoretical, historical and contemporary perspective*. Routledge, london and new york, firist published
- ----- (2004). "Soft power and American foreign policy". *Political science quarterly*. Vol: 119, no: 2 , pp: 255-270.
- ----- (2004). "Soft power: the means to success in world politics". *public affairs*.New york.pp:191-197

- ----- (2002). "The Information Revolution and American soft power". *asia-pacific review*.vol.9.no:1.
- ----- (1990). "Soft power". *Foreign policy*.no.80 autumn.pp:153-171
- Roberto, Keohane and Joseph Nye(1988). "Power and interdependence in the information age". *Foregin affairs*.V.12.NO.5
- Zahran, Geraldo and Ramos, Leonardo (2010). "From Hegemony to soft power implications of a conceptual change" . in: *Soft power and U.S.A foreigan policy, Theoretical, historical and contemporary perspective*. London and New york: Routledge.

۳- منابع الکترونیکی

- Katzman. Kenneth.(2010). "Iran and Iraq relations". congressional research service.www.crs.gov.
- ----- (2005) "Irans influence in Iraq". report for congress. received through the www.crs.com. order code:RS.22323-november.15
- Peterson, Scott (2005). "Iran flexesits soft power in Iraq". The Christian acience monitor. 20may: www.Csmonitor.com/2005/0520/p06s02-woiq.html
- Sulivan,Marisa.(2009). "Iran soft power in Iraq". www.irantracker.org/analysis/iran.

Islamic Republic of Iran and Modern Iraq: An Applied Explanation of Soft Power in Modern Iraq in Line with Realization of Values of the Islamic Revolution

Mohammad Hossein Jamshidi ^{1*}
Rasool Mohammad Gahrooei ²

Received on: 11/27/2013

Accepted on: 03/03/2014

Abstract

Today, particularly in the light of the developments in the world of Islam, the closeness of the Muslim communities in international arena to each is felt as a determining necessity. At the same time, soft power is a new face of exertion of power on international level which lays emphasis on intangible aspects of power entailing the application of acceptable and more legitimate methods to achieve goals in foreign policy, whose main function is to form the preferences of others and whose main sources are religion, culture, and political values and foreign policy. After the victory of the Islamic Revolution, the Islamic Republic of Iran, relying on its value-based goals in relation to other Muslim communities, utilized the sources of soft power. Given the strategic role of Iraq in the world of Islam and its several commonalities with Iran, it has been more significant for Iran in this connection. The present paper maintains that due to the existence of several sources of soft power of Iran in Iraq, their proper application and management will have positive sustainable achievements for materialization of the values of Islamic Revolution and will realize the said objectives in the best, most legitimate and sustainable manner. The main problem of the present paper is to find out the sources of Iran's soft power in modern Iraq which can prepare the grounds for materialization of sublime values of the revolution in the world of Islam.

Keywords: Islamic Republic of Iran, modern Iraq, soft power, values of Islamic Revolution.

1* . Assistant Professor, Political Science, Tarbiat Modares University.

(Corresponding Author: jamshidi@modares.ac.ir)

2 . M.A. International Relation, Tarbiat Modares University.